

علل اجتماعی خشونت کدام است؟

براساس گزارش‌ها، مستعدترین دوران زندگی افراد برای ارتکاب جنایت بین سنین 10 تا 24 سال است. حدود 70/8 درصد از میزان مرگ و میرها در طی این مقطع رخ داده‌اند.



سلامت نیوز: براساس گزارش‌ها، مستعدترین دوران زندگی افراد برای ارتکاب جنایت بین سنین 10 تا 24 سال است. حدود 70/8 درصد از میزان مرگ و میرها در طی این مقطع رخ داده‌اند. در مورد افراد 15 تا 44 سال سوانح رانندگی (بخصوص وقتی پای مصرف مشروبات الکلی در میان باشد)، سایر آسیب‌های غیرعمدی، قتل، و خودکشی شایع‌ترین عواملی هستند که به افزایش میزان مرگ و میرها کمک کرده‌اند. مصرف مشروبات الکلی به‌همراه مخاطرات رفتارهای متعاقب آن و کاهش میزان پیش‌گیری از مصرف این مشروبات، ممکن است به افزایش کلی اقدامات مخاطره‌آمیز و بروز هیجانات منجر شود.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از پایگاه اطلاع رسانی پیشگیری نوین، خشونت مستقیم یا غیرمستقیم همه افراد جامعه را متأثر می‌کند. گرچه قربانیان مستقیم خشونت و نزدیکان آنها، بیشترین سطح خشونت را از سر می‌گذرانند، با این حال، افراد دیگر نیز به دلیل جو هراس‌انگیزی که خشونت به آن دامن می‌زند، از گزند هراس‌های آن ایمن نیستند و به شکل‌های مختلف و متفاوت خشونت را تجربه می‌کنند. زنان قربانی این نوع خشونت‌ها می‌ترسند شب‌ها به‌تنهایی بیرون از خانه یا در اماکن ناامن پیاده‌روی کنند. بسیاری از افراد از رانندگی در امکان خاصی از شهرکه مشهور به وقوع جرم و جنایت هستند بیم دارند. بخصوص محله‌هایی که کانون اصلی تجاوز، سرقت، و دیگر اقدامات خشونت‌آمیز به حساب می‌آیند.

مطالب بسیاری در مورد ارتباط استعمال مواد مخدر و بروز خشونت نوشته شده است. در واقع، مشروبات الکلی یکی از پنج عامل اصلی تاثیرگذار در اصلی‌ترین علت مرگ و میرها در آمریکا یعنی سوانح رانندگی به حساب می‌آید. استعمال مواد مخدر نیز با اشکال مختلفی از خشونت ارتباط دارد. البته تحقیقاتی در دست انجام است تا نشان دهد استعمال مواد مخدر واقعاً به خشونت منجر می‌شود. در بسیاری از رخدادهای خشونت‌آمیز، اثری از استعمال الکل یا مواد مخدر نیست، با این حال، در برخی شرایط به نظر می‌رسد استفاده از مواد روان‌گردان به‌نوعی به بروز خشونت منجر شده است:

1. مصرف مشروبات الکلی - از سوی مجرم، قربانی یا هر دو - عامل اصلی بیش از نیمی از جرم‌های خشونت‌آمیز از جمله قتل است.
2. افراد دائم‌الخمر در مقایسه با دیگران، سابقه رفتارهای خشونت‌آمیز بیشتری دارند.
3. مجرمانی که مواد مخدر استفاده می‌کنند، در مقایسه با سایر مجرمانی که مواد مصرف نمی‌کنند، به‌مراتب بیشتر مرتکب سرقت و تجاوزهای جنسی می‌شوند.
4. در مورد پرونده‌های تجاوزهای جنسی در آمریکا، بر اساس گزارش‌ها، بیش از 68 درصد از متجاوزین و 42 درصد از قربانیان در هنگام وقوع جرم از مشروبات الکلی مصرف کرده‌اند. همچنین گزارش‌ها حاکی از آن است که حدود 15 درصد از قربانیان و متجاوزین در هنگام وقوع جرم کوکائین مصرف کرده‌اند.
5. احتمال اینکه بیماران روانی که رژیم درمانی خود را رعایت نمی‌کنند و از مواد مخدر و الکل استفاده می‌کنند، در اقدامات خشونت‌آمیز شرکت کنند، به نحو چشمگیری زیاد است.
6. استعمال مواد مخدر به نحو قابل‌توجهی احتمال خودکشی و قتل را افزایش می‌دهد. ترکیبی از افسردگی حاد و استعمال الکل و دیگر مواد مخدر میزان قتل و خودکشی را تا سه برابر افزایش می‌دهد.

عوامل اجتماعی، فرهنگی و فردی بسیاری در افزایش میزان احتمال وقوع اقدامات خشونت‌آمیز موثر هستند. از جمله:

فقر: شرایط اجتماعی و اقتصادی نابه‌سامان و وضعیت آشفته زندگی افراد، منجر به ایجاد و شکل‌گیری فضای نومیدی و یأس در میان مردم می‌شود. در چنین محیطی است که افراد خشونت را تنها راه‌حل رسیدن به خواسته‌ها و مطالباتشان می‌دانند. بیکاری: با بروز رکود اقتصادی، میزان جرایم و جنایت‌های خشونت‌آمیز و غیرخشونت‌آمیز افزایش می‌یابد. تاثیر و نفوذ پدر و مادر: پژوهش‌ها حاکی از آن است که کودکانی که در محیط‌هایی پرورش می‌یابند که در آنها داد و فریاد، دعوا و زد و خورد و دیگر شکل‌های خشونت شایع و رایج است، در بزرگسالی تمایل بیشتری برای بروز رفتارهای خشونت‌آمیز از خود نشان می‌دهند.

باورهای فرهنگی: در فرهنگی‌هایی که زنان را موجوداتی مفعول و ضعیف و مردان را موجوداتی قدرتمند، سرسخت و تهاجمی معرفی می‌کند، بیشترین میزان خشونت خانگی دیده می‌شود. رسانه‌ها: مطالعات بی‌شمار نشان‌دهنده آن است که نمایش خشونت در تلویزیون، اینترنت، فیلم‌های سینمایی و بازی‌های کامپیوتری، احتمال وقوع خشونت را در میان گروه‌های خاصی از افراد افزایش می‌دهد. تبعیض یا سرکوب: هرگاه گروهی از سوی اعضای گروه دیگری سرکوب یا سرخورده شود، بذره‌های نارضایتی در آن گروه پاشیده می‌شود. در این جوامع بروز خشونت علیه دیگران بسیار محتمل است. ·# استرس: افرادی که در بحران یا تحت استرس و تنش هستند، احتمال این‌که رفتارهای واکنشی از خود نشان دهند، دیگران را مورد ضرب و شتم قرار دهند یا رفتاری غیرمعتاد از خود نشان دهند بسیار بیشتر است. ·# استعمال مفرط مشروبات الکلی و دیگر مواد مخدر: استعمال الکل و مصرف مواد مخدر اغلب نقش تسریع‌کننده (کاتالیزور) خشونت را ایفا می‌کند و در زمره عوامل ریسک‌زای خشونت‌های خانگی و دیگر اشکال جرم و جنایت به شمار می‌آید.

عوامل فردی تسریع‌کننده خشونت

افزون بر عوامل گسترده‌ی اجتماعی، عوامل فردی بسیاری نیز می‌تواند منجر به خشونت شود. اگر شما هم مانند بسیاری از مردم هستید، احتمالاً در مقایسه با کودکان امروزی با آمادگی بیشتری عصبانیت خود را تخلیه می‌کنید. بسیاری از افراد با افزایش بلوغ فکری و سنی می‌آموزند که هیجانان و درونیات خود را به شیوه‌ای معقول و عقلانی کنترل کنند. با این حال، برخی افراد هم با افزایش سن میل بیشتری به تخلیه عصبانیت و هیجانان خود همانند دوران کودکی دارند یا الگوهای رفتاری والدین و اعضای خانواده‌ی خود را تقلید می‌کنند. واقعا چرا وقتی نوبت به خشونت می‌رسد، دو کودکی که در همسایگی هم زندگی می‌کنند، یا حتی دو کودک عضو یک خانواده، مسیرهای متفاوتی را برای بروز خشونت در پیش می‌گیرند؟ پیش‌بینی‌های متعددی را می‌توان در مورد رفتارهای تهاجمی آتی افراد مطرح کرد.

خشم: به خودانگیختگی موقت، احساسات بیولوژیکی یا حالت عاطفی رنجش اطلاق می‌شود که اغلب به کرات در هنگام استیصال رخ می‌دهد. به دلیل این که زندگی‌های امروزی استرس‌زاست، خشم به بخشی از زندگی هر روزه انسان مبدل شده است. خشم طیف وسیعی از اقدامات را در بر می‌گیرد؛ از عصبانیت خفیف تا خشونت و خشم شدید. وقتی شخصی خشم خود را در خانه یا خیابان بروز می‌دهد، پیامدهای آن می‌تواند گاه مرگبار باشد.

چه چیزی باعث می‌شود افراد با بروز شدیدترین میزان خشم خود، برآشفته شوند؟ کسانی که خیلی زود خشمگین می‌شوند، اغلب از دامنه تحمل‌پذیری پایینی برخوردارند. اعتقاد بر این است که نباید این افراد را در موقعیتی قرار داد که تحمل ناراحتی را ندارند. علت خشم زود هنگام ممکن است ژنتیکی یا فیزیولوژیک باشد. شواهدی در دست است که نشان می‌دهد برخی افراد اساساً بی‌ثبات، زودرنج، و حساس متولد می‌شوند. از دیگر علل خشم، می‌توان به عوامل اجتماعی - فرهنگی اشاره کرد. کسانی که با آنها آموخته می‌شود که خشم خود را در جمع بروز ندهند، وقتی که سطح این خشم آن‌قدر بالا می‌رود که دیگر نمی‌توانند پنهانش کنند، نمی‌دانند چطور باید خشمشان را مهار کنند. پیشینه خانوادگی مهم‌ترین عامل در این خصوص است. معمولاً افراد زودخشمگین خانواده‌هایی از هم‌گسخته، نابه‌سامان و آشفته دارند که برای بروز احساسات خود مهارت کافی ندارند.

رفتار تهاجمی اغلب مهم‌ترین جنبه تعاملات خشونت‌آمیز است. پرخاشگری اولیه هدف‌مند است، ابراز وجود خصمانه‌ای است که ماهیتاً مخرب و نابودکننده است. پرخاشگری واکنشی اغلب بخشی از یک عکس‌العمل عاطفی است که به سبب تجربه یک زندگی ناامیدکننده بروز می‌کند. پرخاشگری چه اولیه باشد و چه واکنشی، بیشتر در ایام بروز استرس‌های حاد، دشواری‌های برقراری یا قطع روابط و یا زمانی بروز می‌کند که فرد بسیار مستاصل و ناامید است و تصور می‌کند تنها راه چاره، بروز این خشم و عصبانیت در حضور دیگران است.